

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فارسی عمومی

مدرس: کامرانی

تربیت بدنی بهمن ۹۷

درس ۶

کنون رزم سهراب و رستم شنو
دگرها شنیدستی این هم شنو

■ ابوالقاسم فردوسی:

- ❖ متولد توس ۳۲۹-۴۱۱ هجری قمری
- ❖ از بزرگترین حماسه سرایان جهان
- ❖ از خانواده دهقانان توس-دهقانان مردمی دانش دوست بودند و به داستانهای ایران باستان علاقه داشتند.
- سرودن شاهنامه ۳۰ سال طول کشید و حدوداً ۶۰۰۰ بیت میباشد.
- سبک شاهنامه سبک خراسانی میباشد.
- شاهنامه در قالب مثنوی سروده شده است (هر بیت قافیه ای جداگانه دارد)
- بראعت استهلال: آغاز کردن شعر با کلماتی زیبا و روشن که با اشاره ای لطیف و متناسب به اصل مقصود رهنمون باشد چنانکه خواننده ادامه آن را دریابد بهترین نمونه بראعت استهلال در شاهنامه است.
- شاهنامه به سه دوره تقسیم شده است:
- ۱. دوره اساطیری ۲. دوره پهلوانی ۳. دوره تاریخی

۱. اگر تندبادی برآید ز کنج به خاک افکند نارسیده ترنج

تندباد استعاره از مرگ × برآید: بوزد × کنج: گوشه × ترنج نارسیده
استعاره از سهراب
بیت به مرگ سهراب تلمیح دارد.

** اگر تندبادی از گوشه ای برخیزد و ترنج نارسیده (سهراب جوان) را به زمین می افکند و از بین میبرد

۲. ستمکاره خوانیمش ار دادگر؟ هنرمند دانیمش ار بی هنر؟

ار: یا × دانیمش: «ش» نقش مفعولی-منظور مرگ × هنرمند: لایق، توانا

** آیا روزگار را ستمگر بنامیم یا دادگر؟ لایق و توانا بخوانیم یا نالایق و ناتوان؟

فارسی عمومی
درس ۶

۳. اگر مرگ دادست بیداد چیست ز داد این همه بانگ و فریاد چیست

داد: عدل × بیداد: بی عدالتی

** آیا مرگ عدل است یا بی عدالتی؟ اگر مرگ حق است این همه ناله برای چیست؟

۴. از این راز جان تو آگاه نیست بدین پرده اندر ترا راه نیست

راز: منظور راز مرگ × جان: روح × بدین پرده: منظور از پرده مرگ است

** تو از راز مرگ و از داد و بیداد بودن آن آگاه نیستی و به این پرده اسرار الهی راهی ندارید

۵. همه تا در آرزو رفته فراز به کس برنشد این در راز باز

آز: زیاده خواهی × فراز: پیش تر

** چون همه مردم سر بر آستان زیاده خواهی نهاده و زبون آن گشته اند و در این راز (مرگ) به روی کسی گشاده نشده است

فارسی عمومی
درس ۶

۶. به رفتن مگر بهتر آیدش جای چو آرام یابد به دیگر سرای

مگر: شاید × بهتر آیدش جای: بهتر آید جایش × بهتر آید جایش

**اگر در جهان دیگر آرامش یابد و مشمول لطف و نعمت خدا شود مرگش بهتر باشد.

۷. دم مرگ چو آتش هولناک ندارد ز برنا و فرتوت باک

دم: لحظه × چون: مانند × برنا: جوان × فرتوت: پیر

**مرگ همانند آتشی هولناک است که همه را از پیر و جوان با شعله خود میسوزاند.

فارسی عمومی

درس ۶

۸ و ۹.

در این جای رفتن نه جای درنگ
چنان دان که داد است و بیداد است
بر اسب فناگر کشد مرگ تنگ
چو داد آمدش جای فریاد نیست

فارسی عمومی
درس ۶

جای رفتن: منظور دنیا × ترتیب مصراع دوم: گر مرگ تنگ بر
اسب فنا کشد
**در این جهان که جای رفتن است نه جای ماندن، اگر مرگ زین
اسب نیستی محکم تر بکشد (اگر مرگ بخواهد یکی را نابود کند
جای درنگ نیست جای رفتن است) این کار موافق عدل است و
نمیتوان آن را ظلم به شمار آورد.

۱۰. جوانی و پیری به نزدیک مرگ یکی دان چو ایدر بدن نیست برگ

ایدر بدن: در اینجا بودن، ماندن در این جهان × نیست برگ: میسر نیست

**** برای مرگ پیر و جوان هر دو یکی است چون در این دنیا ماندن امکان ندارد.**

۱۱. دل از نور ایمان گر آکنده ای تو را خامشی به که تو بنده ای

آکنده: پرشده × خامشی: تسلیم قضا و قدر شدن × که: زیرا که

**** اگر تو دل خود را از نور ایمان به خدا پر کرده ای پس تسلیم قضا و قدر شدن برای تو بهتر است زیرا که تو بنده و مخلوق خدایی.**

۱۲. بر این کار یزدان تو را راز نیست اگر جانت با دیو انباز نیست

یزدان: خدا × انباز: شریک، همراه

**** هرگاه دیو (شیطان نفس) با جان تو همراه نباشد درباره کار خدا (مرگ) رازی برای تو وجود نخواهد داشت (کار خدا را می پذیری و آن را راز محسوب نمیکنی)**

فارسی عمومی
درس ۶

۱۳. به گیتی در آن کوش چون بگذری سرانجام نیکی بر خود بری

چون:زمانیکه × سرانجام که بگذری:بمیری × بر: پیش × بری:ببری

**در این دنیا برای نیکی کردن تلاش کن تا وقتی مرگ تو را فرامی گیرد نیکی و خوبی به عنوان توشه آخرت به همراه داشته باشی.

فارسی عمومی

درس ۶

پایان.